

حق معنوی در نظام کپی‌رایت: رهیافت نظری

محمدهادی میرشمسی^۱

میلااد حامدی^۲

چکیده:

حق معنوی یکی از حقوق اعطایی به مؤلف در حقوق مالکیت ادبی و هنری است که به‌موجب آن، مؤلف می‌تواند اثر را متعلق به خود بداند، از تمامیت اثرش حفاظت کند و مانع تحریف یا تغییر در اثر خود شود. این حق برخلاف حق مادی که از منافع مالی مؤلف حمایت می‌کند، بر حمایت از شخصیت مؤلف تمرکز دارد. باور غالب این است که حق معنوی برای نخستین بار در کشورهای تابع نظام حق مؤلف مثل فرانسه و آلمان شناسایی شد، اما بررسی‌های تاریخی خلاف این باور را ثابت می‌کند. در نیمه دوم قرن هجدهم در جریان رسیدگی به دو دعوای مهم در بریتانیا، برای نخستین بار حق معنوی مورد بحث قرار گرفت و این حق در رویه قضایی این کشور به‌عنوان خاستگاه نظام کپی‌رایت به رسمیت شناخته شد. رویکرد کپی‌رایت به حق معنوی ناشی از عوامل تاریخی و فرهنگی و مبتنی بر مبنای انگیزشی و فایده‌گرایی است و با دیدگاه نظام حق مؤلف متفاوت است. در کشورهای تابع نظام کپی‌رایت، قبل از پیوستن به کنوانسیون برن، با استفاده از شیوه‌هایی چون جازدن و هتک‌شهرت و همچنین با استناد به مفاد قرارداد، از حق معنوی مؤلف حمایت می‌شد و حتی امروزه در شرایط پس‌از الحاق به این کنوانسیون و ضرورت حمایت از حق معنوی به‌موجب ماده ۶ مکرر آن، همین شیوه‌ها همچنان مورد استفاده دادگاه‌ها قرار می‌گیرد. در این نوشتار پیشینه و مبنای حق معنوی در نظام کپی‌رایت، عوامل اثرگذار بر این رویکرد و شیوه‌های حمایت از حق معنوی مؤلف بررسی می‌شود.

کلیدواژه: حق معنوی، نظام کپی‌رایت، مبنای شخصیت، مبنای فایده‌گرایی، نظام کامن‌لا

۱. Email: mh_mirshamsi@atu.ac.ir

۲. Email: mi.hamedi92@gmail.com

۱. استادیار حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری دانشگاه علامه طباطبائی

حق معنوی، به حمایت از شخصیت مؤلف و تمامیت اثرش مرتبط است.^۱ به عبارتی حق معنوی حقی است مبتنی بر اصول حقوق طبیعی که برای تضمین تمامیت اثر مؤلفه علاوه بر حقوق مادی، به وی داده می‌شود.^۲ حق معنوی علاوه بر حق تمامیت اثر^۳، حقوقی چون حق انتساب^۴، حق افشاش^۵ و حق عدول یا استرداد^۶ را نیز شامل می‌شود. در توضیح مفهوم این حقوق گفته می‌شود که پدیدآورنده شخصیت خود را در اثر خویش نمایان می‌سازد. در هر اثری کمابیش رنگ‌وبوی شخصیت کسی که آن را خلق کرده است، احساس می‌شود و همین نکته موجب می‌شود که هر اثر با اثر دیگر، به تبع تفاوت در شخصیت پدیدآورنده آن‌ها، متفاوت باشد. هر پدیدآورنده مظهر شخصیت خود را بر روی آفریده خود می‌زند و از آن یک اثر اصیل می‌سازد.^۷

عده‌ای در تعریف حق معنوی اظهار می‌دارند: مجموعه حقوقی است که صرفاً متکی به شخصیت صاحب حق بوده و بر فعالیت فکری او ناظر است، اثری که زاده و مولود اندیشه ادبی و علمی و یا نبوغ هنری پدیدآورنده است، آینه تمام‌نمایی از شخصیت اوست، لاجرم همان‌طور که خود انسان موضوع اصلی حمایت قانونی است، اثر او نیز که تابشی از شخصیت اوست، قابل حمایت است.^۸

دو نظام عمده برای حمایت از آثار ادبی و هنری وجود دارند: نظام حق مؤلف^۹ و نظام کپی‌رایت^{۱۰}. کپی‌رایت عمدتاً در کشورهای پیرو نظام کامن‌لا^{۱۱} و نظام حق مؤلف غالباً در کشورهای پیرو حقوق نوشته (سیویل‌لا) طرفدار دارد. کپی‌رایت نظامی حقوقی است که در آن بر بهره‌برداری اقتصادی از آثار تمرکز می‌شود، برخلاف نظام حق مؤلف که بر شخصیت پدیدآورنده تأکید دارد. در نظام حق مؤلف، حق

۱. Sterling J. A. L, World Copyright Law, first Edition, London, Sweet and Maxwell, ۱۹۹۹, p. ۲۷۹

۲. Garner, Bryan, Black's Law Dictionary, eighth edition, USA, West a Thomson Business, ۲۰۰۴, p. ۱۰۳۰

۳. Right of integrity

۴. Right of attribution

۵. Right of divulgation

۶. Right of withdrawal

۷. زرکلام، ستار، حقوق مالکیت ادبی و هنری، چاپ ۲، تهران، سمت، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸.

۸. آذری، کیوان، حق معنوی پدیدآورنده اثر، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۲۲، ۱۳۶۰، ص ۲.

۹. Author's Right System (Droit d'auteur)

۱۰. Copyright System

۱۱. کامن‌لا نظام حقوقی است که در انگلستان پس از غلبه نورمان‌ها بر این کشور در سال ۱۰۶۶، به‌طور عمده در نتیجه فعالیت دادگاه‌های شلمی ساخته شده است. خانواده کامن‌لا علاوه بر حقوق انگلیس که منشأ آن بوده است، حقوق سایر کشورهای انگلیسی‌زبان را با پاره‌ای از استثنافات دربرمی‌گیرد. (داوید، رنه، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه سید-حسین صفایی، محمد آشوری و عزت‌اله عراقی، چاپ ۳، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵، ص ۳۰۳).

معنوی پدیدآورنده از اهمیت بالایی برخوردار است. در واقع، نظام حق مؤلف، شخصیت‌گراست و اثر با شخصیت پدیدآورنده رابطه تنگاتنگ دارد.^۱ اما بنیاد فلسفی نظام کپی‌رایت، فایده‌گرایی است؛ به این معنا که هدف کپی‌رایت تشویق به تولید بیشتر آثار خلاقانه با پایین‌ترین قیمت ممکن است^۲ و به شخصیت مؤلف کمتر توجه می‌شود. یکی از عمده تفاوت‌های این دو نظام، نگاه آن‌ها به حق معنوی است.

سراغاز نظام کپی‌رایت در کامن‌لا به تأسیس اولین بنگاه چاپ توسط کاکستون^۳ در انگلیس (سال ۱۴۷۶) و اقدامات پادشاهی انگلیس برای تحت‌کنترل درآوردن فناوری جدید چاپ می‌رسد.^۴ دو انگیزه در این اقدام برای پادشاهی انگلیس متصور بود: ۱) انگیزه سیاسی: سرکوب‌کردن اندیشه‌های مخالف که از طریق نسخه‌های ارزان و دردسترس به بیان عقاید می‌پرداختند. ۲) انگیزه اقتصادی: با اعطای حق انحصاری انتشار کتب به کسانی که مایل به پرداخت پول بودند، پادشاهی در موقعیتی قرار می‌گرفت که از بازار رو به رشد آثار ادبی بهره‌مند می‌شد.^۵

سؤال این پژوهش به رویکرد نظام کپی‌رایت به حق معنوی و شیوه حمایت از این حق در این نظام اختصاص دارد. بررسی سیر تاریخی حق معنوی در کپی‌رایت و توجه به عوامل مؤثر در شکل‌گیری یا تغییرات این حق، ما را در تحلیل موضوع و رسیدن به پاسخ پرسش تحقیق کمک می‌کند. مطالب این مقاله در دو گفتار ارائه می‌شود. در گفتار نخست ابتدا سیر تاریخی این حق در نظام کپی‌رایت و در ادامه، عوامل اثرگذار در شکل‌گیری این حق مطرح می‌شود. در گفتار دوم مبانی حق معنوی در کپی‌رایت و شیوه‌های حمایت از این حق، به ترتیب طی دو قسمت بررسی خواهد شد.

۱- حق معنوی در نظام کپی‌رایت؛ سیر تاریخی و عوامل اثرگذار

این گفتار به دو قسمت تقسیم می‌شود. قسمت نخست از سیر تاریخی حق معنوی بحث می‌کند و در قسمت دوم، عوامل اثرگذار بر رویکرد نظام کپی‌رایت به حق معنوی بررسی می‌شود.

۱. زرکلام، ستار، پیشین، ص ۷.

۲. Goldstein, Paul, *International Copyright: Principles, law and Practice*, first edition, New York, Oxford University Press, ۲۰۰۱, p. ۳.

۳. Caxton

ویلیام کاکستون تاجر، نویسنده، دیپلمات و ناشر انگلیسی متولد ۱۴۲۲ و اولین شخصی است که صنعت چاپ را به انگلستان آورد.

۴. Ibid, p. ۵

۵. Ibid

حق معنوی در نظام کپی‌رایت، اولین بار در سال ۱۷۶۹ در بریتانیا مطرح شد. علی‌رغم باور غالب که خاستگاه حق معنوی را نظام حق مؤلف و کشورهای تابع نظام حقوق نوشته می‌داند، بریتانیا شناختی زود هنگام از حق معنوی مؤلف داشته است و حتی نسبت به کشورهای مثل فرانسه و آلمان حق مذکور را زودتر شناسایی کرده است. این حق در فرانسه در سال ۱۹۵۷ وارد متن قانون شد، قبل از آن در قالب رویه قضایی حمایت می‌شد.^۱ قانون مالکیت فکری فرانسه مصوب ۱۹۵۷، اولین قانون جامعی است که بر هر دو جنبه مادی و معنوی حقوق پدیدآورندگان صراحتاً تأکید می‌کند.^۲ در آلمان نیز حق معنوی برای اولین بار در قانون کپی‌رایت سال ۱۹۶۵ پیش‌بینی شد.^۳

قانون «آن»^۴ مصوب ۱۷۰۹، اولین قانون در عرصه حقوق مالکیت ادبی و هنری است. انگلستان را باید اولین کشوری دانست که به تدوین مقررات حمایتی از آثار ادبی و هنری پرداخته است.^۵ قبل از تصویب این قانون، انتشار اثر، امتیازی^۶ بود که به‌طور مستقیم از طرف حاکمیت به ناشران داده می‌شد. حاکمیت از این طریق نظارتی شدید بر چاپ آثار داشت (نظام سانسور). شناسایی حقوق مؤلف نسبت به آثار در این قانون، بیانگر تلاش چند دهه‌ای برای آزادی نشر در انگلستان بود. این فرایند در فرانسه نیز دنبال شده و در نهایت منجر به انقلاب فرانسه شد. شناخت حقوق مؤلف نسبت به آثار خود نتیجه نظریات متفکران بانفوذی مثل تئوری کار جان لاک و استدلال‌ات جان میلتون برای آزادی نشر بود.^۷

قانون «آن» انقلابی مفهومی در نظام کپی‌رایت انگلستان به وجود آورده و انحصار کمپانی استیشنرز^۸ در نشر آثار را از بین برد. اما به حق معنوی^۹ اشاره‌ای نکرده بود. به عقیده عده‌ای حداکثر چیزی که می‌توان از این قانون برداشت کرد، حق شخصی مؤلف بر کنترل انتشار

۱. Sundara Rajan, Mira T. , *Moral Rights: Principles, Practice and New Technology*, firsth edition, New York, Oxford University Press, ۲۰۱۱, p. ۱۱

۲. زرکلام، ستار، پیشین، ص ۱۲ ۱۳

۳. Aplin, Tanya, *Moral Rights*, PDF File, ۲۰۱۳, p. ۴

۴ Anne Act

۵. زرکلام، ستار، پیشین، ص ۹

۶. Privilege

۷. Sundara Rajan, op. cit, p. ۹۲

۸. Stationers' Company

۹. Moral right

اثر خود یا به‌طور ضمنی حق افشا می‌باشد.^۱ ظهور این قانون برای اعضای استیشنرز خوشحال‌کننده نبود، زیرا کنترل انحصاری این شرکت بر کتابهای موجود با محدود کردن حمایت کپی‌رایت به ۲۱ سال از میان رفت.^۲

اما بعد از تصویب این قانون، دو پرونده مهم در بریتانیا در سال‌های ۱۷۶۹ و ۱۷۷۴ مطرح شد که حق معنوی هم در این پرونده‌ها مورد بررسی قرار گرفت: پرونده میلر علیه تایلر^۳ در سال ۱۷۶۹ و پرونده دونالدسون علیه بکت^۴ در سال ۱۷۷۴ که هر دو مربوط به حق انتشار شعری بلند به اسم «فصل‌ها»^۵ سروده جیمز تامسون^۶ بودند.^۷

۱-۱-۱- پرونده میلر علیه تایلر

این پرونده دو پرسش را به‌وجود آورد: آیا نویسنده در نظام کامن‌لا، حق تکثیر (کپی‌رایت) داشته است؟ اگر چنین است آیا این حق کامن‌لایی به‌وسیله قانون «آن» از میان رفته است؟^۸

۱-۱-۱- الف- توضیح پرونده

اندرو میلر در سال ۱۷۲۹ کپی‌رایت شعر «فصل‌ها» را از مؤلف آن (تامسون)، به مبلغ ۲۴۲ پوند خرید. پس از انتشار نسخه‌هایی از این شعر در سال ۱۷۶۳ توسط رابرت تایلر، میلر تقاضای جبران خسارت کرد. به گفته تایلر، حقوق موضوعه این شعر مطابق قانون «آن» در سال ۱۷۵۷ منقضی شده بود. میلر برای موفقیت در طرح دعوا باید ثابت می‌کرد که کپی‌رایت کامن‌لایی^۹ در اثر وجود دارد. به عبارتی تنها امید موفقیت میلر این بود که وجود کپی‌رایت کامن‌لایی را اثبات کند. بعد از مباحث طولانی، شعبه دادگاه شاهی^{۱۰} با اکثریت ۳به ۱ به‌نفع کپی‌رایت کامن‌لایی حکم داد. اندکی بعد از صدور این حکم، موضع

۱. Ibid, p. ۹۷

۲. در لهوس، پیتر، فلسفه مالکیت فکری، ترجمه محمود حکمت‌نیا و همکاران، چاپ ۱، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷

۳. Millar v. Taylor

۴. Donaldson v. Beckett

۵. The Seasons

۶. James Thomson

۷. Sundara Rajan, op. cit, p. ۹۴

۸. در لهوس، پیتر، پیشین، ص ۱۲۹.

۹. Common law copyright

۱۰. The Court of King's Bench

کپی‌رایت کامن‌لایی مجدداً توسط مجلس اعیان^۱ در پروندهٔ دونالدسون علیه بکت بررسی شد.^۲

چندین خط فکری در استدلال توجیهی قضاتی که به‌نفع کپی‌رایت مستند به کامن‌لا حکم کردند، دنبال شد. منسفیلد قاضی دادگاه عالی پس از این استدلال که منبع این حق نویسنده چه قبل و چه بعد از انتشار یکی است، ادعا می‌کند که مبنای حق در عدالت قرار دارد. عدالت این است که نویسنده باید از منافع مالی کار و ابتکاراتش بهره‌مند شود و فرد دیگری نباید از نام نویسنده بدون رضایت او استفاده کند.^۳

استیشنرز (که میلر نیز از اعضای آن بود) برای حفظ انحصار چاپ خود استدلال کرد که قانون «آن» به‌هیچ‌وجه حق مؤلف برای انتشار اثر را محدود نکرده و مؤلف حتی با تصویب این قانون نیز دارای حق تکثیر (کپی‌رایت) به‌صورت دائمی است. درحقیقت این شرکت به بهانهٔ حمایت از مؤلف، منافع خود را دنبال می‌کرد؛ زیرا با به‌رسمیت‌شناختن کپی‌رایت مستند به کامن‌لا (کپی‌رایت دائمی) در کنار قانون موضوعه، حق مؤلف را دائمی اعلام می‌کرد تا بتواند به بهره‌برداری و انتشار آثار به‌طور نامحدود ادامه دهد.^۴ از دید این شرکت، از آنجاکه مؤلفان توانایی مالی زیادی برای چاپ و انتشار اثر خود نداشتند، لذا حق انتشار آثار را در قبال مبلغی به شرکت مذکور واگذار می‌کرد و در نتیجه با وجود کپی‌رایت کامن‌لا به‌طور دائمی از آن بهره می‌جستند. درواقع معرفی مؤلف توسط قانون، بُعد جدیدی به حق انتشار می‌داد، بدین معنا که حق انتشار را از انحصار استیشنرز درآورده و مؤلف را رقیب شرکت می‌کرد.

۱-۱-۱-ب- نتایج پرونده

مهم‌ترین نتیجه و دستاورد پرونده میلر این است که حق معنوی برای اولین بار توسط قاضی منسفیلد شناسایی و به نظام کپی‌رایت معرفی شد.

استدلال استیشنرز در این پرونده پذیرفته شد و قاضی منسفیلد حضور مستمر حقوق طبیعی در کامن‌لا را علی‌رغم وجود قانون «آن» تأیید کرد. نگاه این قاضی نسبت به حقوق مؤلف پیچیده است. به‌عقیده ایشان عدم شناخت دائمی این حق منجر به نتایج زیان‌بار می‌شود. منسفیلد در ادامه استدلال‌اتش در مورد

۱. House of Lords

۲. Bently, Lionel & Sherman, Brad, The making of modern intellectual property law: The British Experience (۱۷۶۰- ۱۹۱۱), Cambridge University Press, ۱۹۹۹, p. ۱۳&۱۴

۳. دراهوس، پیتر، پیشین، ص ۱۲۹ و ۱۳۰

۴. Sundara Rajan, op. cit, p. ۹۵

مشروعیت حقوق دائمی مؤلف و حقوق طبیعی او به حق معنوی استناد می‌کند. به عبارتی ایشان در فرآیند اثبات کپی‌رایت کامن‌لایی به حق معنوی هم اشاره کرد. از این جهت حق معنوی یکی از پیامدهای شناخت کپی‌رایت کامن‌لایی در نظام حقوقی بریتانیا شد. یکی از نویسندگان^۱ به وجود حق معنوی در دیدگاه منسفیلد اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد که پرونده میلر حاکی از آن است که ایده حق معنوی مؤلف در حقوق انگلستان با شناخت کپی‌رایت کامن‌لایی ارتباط دارد. به عقیده ایشان، منسفیلد به طور ماهرانه‌ای حق معنوی را به رسمیت شناخت:

«کامن لا (کپی‌رایت کامن‌لایی) از چه منبعی نشئت می‌گیرد؟... اگر بعد از ورود اثر به بازار، این اثر با چاپ و کاغذ بدتر و با جلد ارزان‌تر فروخته شود، [مؤلف] نمی‌تواند نفع مالی کسب کند... او مسلط به استفاده از نام خود نیست. کنترلی بر صحیح بودن اثرش ندارد. نمی‌تواند از اضافات جلوگیری کند. نمی‌تواند خطاها را درست کند. نمی‌تواند اصلاح کند یا ویرایش ناقص (اشتباه) را منع کند. هر شخصی می‌تواند چاپ کند، دزدی ادبی کند و دائماً نواقص را به ضرر مؤلف به‌کار گیرد. هرکسی می‌تواند احساساتی را که مؤلف از آن‌ها ناراضی است، پشیمان شده یا شرم دارد، به نام او منتشر کند. او نمی‌تواند هیچ نظری در رابطه با شیوه‌ای که اثرش منتشر می‌شود یا در رابطه با اشخاصی که آن را منتشر می‌کنند داشته باشد».^۲

این پرونده بیانگر آن است که یک قاضی انگلیسی، حق معنوی را بیش از نیم‌قرن قبل از مطرح‌شدن جدی این حق در فرانسه به رسمیت شناخت، چراکه مفهوم حق معنوی در حقوق فرانسه در اوایل قرن ۱۹ میلادی بروز یافته است^۳، پیش از آن که این حق جنبه قانونی به خود بگیرد، در قرن نوزدهم قاطعانه مورد تأیید دکترین و رویه قضایی قرار گرفت.^۴ با این حال دغدغه‌های عملی اعمال کپی‌رایت کامن‌لایی و تعارضش با قانون «آن» دلیلی برکنار گذاشتن مفهوم حق معنوی از حقوق بریتانیا بود؛ زیرا کپی‌رایت کامن‌لایی به دلیل دائمی‌کردن انحصار استیشنرز، خطری برای آزادی نشر محسوب می‌شد، امری که قانون «آن» می‌خواست از آن حمایت کند.^۵

۱. Lyman Ray Patterson

۲. Ibid, p. ۹۷

۳. زرکلام، ستار، پیشین، ص ۱۰۷

۴. کلمبه، کلود، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه علیرضا محمدزادموادققی، چاپ ۲، تهران، میزان، ۱۳۹۰، ص ۷۸

۵. Sundara Rajan, op. cit, p. ۹۹

امکان دارد عده‌ای این اشکال را مطرح کنند که پذیرش حق معنوی توسط یک قاضی به منزله شناخت رسمی حق معنوی در نظام کپی‌رایت نیست. در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت که حق معنوی در کشوری مثل فرانسه نیز ابتدا به‌طور غیررسمی و در قالب رویه قضایی در اوایل قرن ۱۹ مطرح شد و تا سال ۱۹۵۷ ولرد قانون نشد. تدوین حق معنوی در قانون این کشور، یک قرن و نیم بعد از شناسایی حق مذکور در رویه قضایی انجام گرفت.^۱

به عقیده پروفیسور جرالڈ دورکین، باور عمومی به‌ویژه در میان حقوق‌دانان سیویل لایی وجود دارد که مفهوم حق معنوی، مفهومی تقریباً جدید در نظام‌های کپی‌رایت موجود در کامن‌لا است و چنین نظام‌هایی به‌اجبار ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن^۲، دیدگاه اقتصادی به کپی‌رایتشان را با حق معنوی بیگانه تلیق کرده‌اند. این دیدگاهی اغراق‌آمیز و تا حد زیادی نادرست است. در واقع چه ادعا شود که منسفیلد مؤسس حق معنوی است یا خیر، ایشان با قاطعیت کپی‌رایت را آمیزه‌ای از حقوق اقتصادی و شخصی^۳ در پرونده میلر علیه تایلر دانست.^۴

۲-۱-۱- پرونده دونالدسون علیه بکت

این پرونده از دو جهت با پرونده میلر شباهت دارد: ۱- آیا کپی‌رایت کامن‌لایی در نظام حقوقی انگلستان وجود دارد؟ ۲- موضوع این پرونده همان شعر «فصل‌ها» در پرونده میلر است.

۲-۱-۱- الف- توضیح پرونده

دونالدسون نسخه‌هایی از شعر «فصل‌ها» را منتشر کرد. بکت، شخصی که کپی‌رایت این شعر را از میلر به ۵۰۵ پوند خریده بود، برای نقض کپی‌رایت علیه دونالدسون طرح دعوا کرد. در دفتر مهرداد سلطنتی^۵، قاضی پرونده بر اساس پرونده میلر قرار منع انتشار صادر کرد، اما دونالدسون در مجلس اعیان علیه بکت شکایت کرد.^۶

۱. Ibid, p. ۸۹

۲. ماده ۶ مکرر: (۱) مستقل از حقوق مالی مؤلف و حتی پس از انتقال این حقوق، مؤلف دارای حق انتساب اثر است و می‌تواند نسبت به هرگونه تحریف، حذف یا هر نوع تغییر اثر یا هر نوع لطمه‌ای نسبت به آن که موجب خدشه‌دار شدن اعتبار یا شهرت او شود، اعتراض کند.

۳. Personal

۴. Dworkin, Gerald, The Moral Right of the Author, Moral Rights and the Common Law Countries, Columbia VLA Journal of Law & Arts, vol. ۱۹, ۱۹۹۴-۱۹۹۵, p. ۲۲۹-۲۳۰

۵. Chancery

۶. Bently & Sherman, op. cit, p. ۱۴

سؤال مطرح شده در پرونده دونالدسون این است که شناسایی کپی‌رایت کامن‌لایی (دائمی) چگونه بر نظام انتشاری که توسط قانون «آن» شناخته شده تأثیر می‌گذارد؟^۱

اگر کپی‌رایت کامن‌لایی به رسمیت شناخته می‌شد، هدف قانون «آن» برای شکستن انحصار کتاب‌فروشان و حمله به نظام سانسور از بین می‌رفت. زیرا استناد به حقوقی فراتر از این قانون به ناشران اجازه می‌داد ۱- به استفاده از حقوق انحصاری در آثاری که قبلاً چاپ شده است (آثار کلاسیک که جدیداً به عموم تعلق داشتند) ادامه دهند و در نتیجه میراث ادبی انگلستان جزء دارایی کمپانی استیشنرز می‌شد و ۲- ادعای حق انتشار آثار جدید بعد از ۱۴ سال (دوره‌ای که توسط قانون «آن» وضع شده بود) را داشته-باشند.^۲

۲-۱-۱-ب- نتایج پرونده

در پرونده دونالدسون، کپی‌رایت کامن‌لایی به دلیل خطر برای آزادی نشر و تبعاً حق معنوی هم به عنوان یکی از نتایج آن، رد شد و پس از آن بحث حق معنوی به صورت زودهنگام از حقوق ادبی و هنری این نظام کنار گذاشته شد و تا حدود ۲۰۰ سال بعد در بریتانیا مطرح نشد. در این مدت این کشور برای جبران نبود صریح حق معنوی در نظام حقوقی خود و این که نبود این حق به مؤلفان خسارت زیادی می‌زند، از منافع معنوی مؤلفان نه صراحتاً تحت عنوان «حق معنوی» بلکه تحت عناوینی مثل رقابت غیرمنصفانه^۳، جازدن^۴، هتک شهرت^۵ و قرارداد^۶ حمایت می‌کرد.

۲-۱- عوامل اثرگذار بر رویکرد نظام کپی‌رایت به حق معنوی

نظام کپی‌رایت نسبت به نظام حق مؤلف رویکرد و نگرشی متفاوت به حق معنوی دارد. می‌توان دلایل رویکرد متفاوت این نظام به حق معنوی را با عوامل زیر تبیین کرد.

۱. Sundara Rajan, op. cit, p. ۹۹

۲. Ibid, p. ۹۹ ۱۰۰

۳. Unfair competition

۴. Passing off

۵. Defamation

۶. Contract

دلیل دیدگاه متفاوت بریتانیا و دیگر کشورهای پیرو نظام کپی‌رایت به حق معنوی بیشتر فرهنگی است تا حقوقی. زیرا مفهوم حق معنوی مفهومی انگلیسی نبوده، بلکه مفهومی فرانسوی است. در پرونده میلر علیه تایلر، قاضی منسفیلد هرچند برای اولین بار حق معنوی را معرفی کرد، اما مستقیماً عبارت «حق معنوی» را به کار نبرد و فقط به ذکر مصادیق آن بسنده کرد. به‌علاوه رد استدلال این قاضی در اثبات کپی‌رایت کامن‌لایی در پرونده دوم سبب شد حق معنوی تا سالیان متمادی در نظام حقوقی این کشور مطرح نشود. عامل فرهنگی بدین معناست که شخصیت مؤلف با درجات مختلفی در نظام مالکیت ادبی و- هنری انگلستان و فرانسه شناخته و مورد توجه قرار می‌گیرد. در نظام حقوقی فرانسه و کشورهای پیرو نظام حقوق نوشته، مؤلف از اهمیت بیشتری برخوردار است، اما در کشورهای پیرو نظام کامن‌لا، اثر و بهره‌برداری اقتصادی از آن جایگاه بالایی دارد. بنابراین عامل فرهنگی و به‌تبع آن فرهنگ حقوقی تأثیر به‌سزایی در نوع نگرش‌ها نسبت به حق معنوی دارد. مشکل ترجمه حق معنوی از فرانسه به انگلیسی فقط یک مشکل زبانی^۱ صرف نیست، بلکه نیازمند توجه به اصول حقوقی و فرهنگی از یک سنت حقوقی به سنت دیگر است.^۲

علاوه‌بر عامل فرهنگی، عامل تاریخی هم در تفاوت رویکردها اثرگذار بوده است. همان‌طور که در بحث پیشینه تاریخی حق معنوی گفته شد، مشکل پذیرش کپی‌رایت مستند به کامن‌لا فراتر از قانون «آن» که کپی‌رایت را مخلوق قانون موضوعه می‌دانست، عاملی برای کنارگذاشتن حق معنوی از نظام حقوقی بریتانیا و سایر کشورهای پیرو نظام کپی‌رایت شد. کشورهایی مانند ایالات‌متحده، استرالیا، نیوزلند و کانادا در واقع زمانی مستعمره بریتانیا بوده و به همین دلیل از سنت‌های حقوقی این کشور تبعیت کرده‌اند. البته در بین این کشورها، کانادا به‌این دلیل که سنت حقوقی فرانسه در این کشور نفوذ داشته است، زودتر (در سال ۱۹۳۱) حق معنوی را شناسایی کرد.^۳

به‌عقیده عده‌ای بین نظام کپی‌رایت و حق معنوی ناسازگاری وجود دارد، اما این ناسازگاری ارتباط کمی با ساختار کامن‌لا دارد، بلکه برعکس انعطاف‌پذیری و عمل‌گرایی کامن‌لا بسیار شبیه به فرایند پذیرش حق معنوی در کشورهای اروپای قاره‌ای است. دلیل این ناسازگاری همان مشکل جذب کپی‌رایت کامن-

۱. Linguistic

۲. Ibid, p. ۹۰

۳. Dworkin, op. cit, p. ۲۴۳

لایی در نظام حقوقی کشورهای کامن‌لا است.^۱ همین مطلب را می‌توان درباره ایالات‌متحده گفت که دادگاه عالی این کشور در پرونده ویتون علیه پیترز^۲ کپی‌رایت کامن‌لایی را لغو کرد.^۳ به‌عبارتی دیگر ناسازگاری بین حق معنوی و کشورهای کامن‌لا را نباید ناشی از ساختار کامن‌لا دانست. بلکه این حق با کپی‌رایت کامن‌لایی قابل جمع نبوده و بنابراین برای بریتانیا خطرناک است.

۲-۲-۱- عامل سیاست‌گذاری

بحث تعیین حدود حق معنوی و شناسایی یا محدودیت در شناسایی یا عدم شناسایی این حق اساساً با بحث سیاست‌گذاری^۴ ارتباط دارد. برای مثال منافع کشورها در تعیین حمایت از ارتباط بین اثر و نام مؤلف آن تعیین‌کننده گستره حق انتساب است. اگر هدف حمایت از ارتباط بین مؤلف و اثر باشد، واضح است که جدا کردن نام مؤلف از اثرش نقض حق تلقی می‌شود؛ یعنی انتساب اثر مؤلف به شخص دیگر یا منتسب کردن اثر دیگری به مؤلف، نقض حق است.^۵ سیاست‌گذاری در حوزه حقوق مالکیت فکری و از جمله حق معنوی اهمیت زیادی دارد و موضوع حق معنوی ابتدائاً موضوعی مربوط به سیاست‌گذاری اجتماعی^۶ است^۷ و کشورها با توجه به منافع‌شان چگونگی حمایت از حق معنوی را تعیین می‌کنند.

ایده حق معنوی بر این فرض استوار است که چون مؤلف اثری را آفریده و اثر تجلی‌دهنده شخصیت مؤلف است، ارتباطی^۸ بین مؤلف و اثر وجود دارد. توجیه حق معنوی آن‌چنان‌که در اروپای قاره‌ای جاافتاده از این مفهوم می‌آید که اثر حامل شخصیت مؤلف است، زیرا مؤلف در اثرش نفوذ می‌کند.^۹ این ایده در کشورهای سیویل‌لا مقبول است. اگرچه حق معنوی متعلق به پدیدآورنده است، اما اعمال این حق فراتر از منافع شخص مؤلف را دربرمی‌گیرد. به‌عبارتی حمایت از حق معنوی سود کلی برای جامعه به‌وجود

۱. Sundara Rajan, op. cit, p. ۸۹

۲. Wheaton v. Peters

۳. درلهوس، پیتز، پیشین، پلورقی صص ۱۲۸، ۱۳۹.

۴. Policy-making

۵. Sundara Rajan, op. cit, p. ۴۴

۶. Social policy

۷. Aplin, Tanya & Davis, Jennifer, Intellectual Property Law, second edition, New York, Oxford University Press, ۲۰۱۳, p. ۱۴۹

۸. Relationship

۹. Ginsburg, Jane, Moral rights in a common law system, Entertainment Law Review ۱۲۱, ۱۹۹۰, p.

۱۲۸ ۱۲۹

می‌آورد. برای مثال، منفعت اجتماعی حق انتساب این است که از جامعه به دلیل حفاظت از صداقت تاریخی حمایت کرده و در این صورت، عموم نسبت به این امر که اثر متعلق به چه کسی است، گمراه نمی‌شوند. به عبارتی حق معنوی دربردارنده مسائل اساسی اجتماعی است و در واقع برای آینده فرهنگ انسانی مهم است.^۱

در نظام حق مؤلف به طور کامل از دکتترین حق معنوی یعنی ارتباط بین پدیدآورنده و اثر تبعیت شده است. اما برای مثال در بریتانیا از تئوری ارتباط صرف بین مؤلف و اثر عدول شده است. نمونه آن لزوم اعلام^۲ حق انتساب در قانون کپی‌رایت، طرح‌ها و اختراعات^۳ بریتانیا است، یعنی تا زمانی که حق از جانب مؤلف اعلام نشود، نقض حق هم صورت نمی‌گیرد. این شرط با بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون برن در تعارض کامل قرار دارد.^۴ به موجب این بند، برخورداری و اجرای این حقوق^۵ تابع هیچ تشریفات خاصی نیست.

هدف اولیه حق معنوی از منظر نظام کپی‌رایت، حمایت از شهرت مؤلف است تا شخصیت او.^۶ برای مثال در مورد حق تمامیت اثر، این حق در صورتی نقض می‌شود که به شهرت مؤلف لطمه بخورد. چنین حقی در حقوق انگلیس به نوعی توسعه حقوق کامن‌لا محسوب می‌شود، زیرا از شهرت پدیدآورنده حمایت می‌کند، بدون این که نیاز باشد وجود شهرت یا حسن نیت پدیدآورنده اثبات شود.^۷ در کشورهای دارای نظام کپی‌رایت شرط لطمه به شهرت از شرایط تحقق نقض حق معنوی است، در حالی که این شرط در کشورهای پیرو نظام حق مؤلف وجود ندارد. در خصوص نحوه پیش‌بینی دو اصطلاح حیثیت و شهرت در ماده ۶ مکرر برن، یکی از حقوق‌دانان انگلیسی^۸ در واقع آن را نتیجه پیشنهاد کشورهای تابع کامن‌لا دانسته است. با این توضیح که در بازنگری کنوانسیون برن در سال ۱۹۲۸ هنگامی که پیش‌بینی حق معنوی مطرح بود، کشورهای حقوق نوشته برخوردار از سنت حق معنوی، استفاده از کلماتی نظیر «معنوی»، «اخلاقی»، «شخصی» و ارجاع به شخصیت پدیدآورنده را پیشنهاد می‌کردند، در حالی که به نظر کشورهای تابع کامن‌لا و در رأس آنها انگلستان، این اصطلاحات در نظام حقوقی آنها بسیار مبهم

۱. Sundara Rajan, op. cit, p. ۵۶

۲. Assertion

۳. Copyright, Designs and Patents Act ۱۹۸۸ (CDPA)

۴. Ibid, p. ۱۰۳

۵. حقوق مذکور در کنوانسیون

۶. McCartney, Sheila, Moral Rights Under United Kingdom's Copyright, Designs and Patents Act of ۱۹۸۸, Columbia VLA Journal of Law & Arts, vol. ۱۵, ۱۹۹۰-۱۹۹۱, p. ۲۴۴

۷. زرکلام، ستار، پیشین، ص ۱۲۸

۸. Treiger-Bar-Am

می‌نمود. در نتیجه عبارت «حیثیت و شهرت» مورد توافق قرار گرفت. با چنین عباراتی کشورهای کامن‌لا می‌توانستند از حق معنوی (تمامیت و حق سرپرستی) در قالب مقررات ناظر به افترا و تدلیس حمایت کنند، بدون آن‌که نیازی به وارد کردن مفاهیم جدید در حقوق داخلی وجود داشته باشد.^۱

بحث مدت‌زمان حمایت از حق معنوی هم یکی از مباحث مربوط به عرصه سیاست‌گذاری است. در حالی که مدت حمایت از حق معنوی در تعدادی از کشورها دائمی است، در کشورهای دیگر مدت حمایت از این حق محدود به مدت حمایت از حقوق مادی است.

۲- حق معنوی در نظام کپی‌رایت؛ مبانی و شیوه‌های حمایت

این گفتار در دو قسمت ارائه می‌شود. در قسمت نخست مبانی حق معنوی در نظام کپی‌رایت مطرح می‌شود و قسمت دوم شیوه‌های حمایت از حق معنوی در این نظام را بررسی می‌کند.

۱-۲- مبانی حق معنوی در نظام کپی‌رایت

این قسمت در دو بند ارائه می‌شود. در بند نخست مبنای شخصیت و در بند دوم مبنای فایده‌گرایی مطرح می‌شود.^۲

۱-۱-۲- مبنای شخصیت

در این بند ابتدا به توضیح مبنای شخصیت و سپس آثار این مبنا پرداخته می‌شود.

۱-۱-۲- الف - تبیین مبنای شخصیت

در نظریه شخصیت، مالکیت با شخصیت، بالندگی و شکوفایی فردی و مفاهیمی همچون آزادی و کرامت انسانی پیوند می‌خورد. داشتن نوعی کنترل بر اشیاء لازمه شخصیت انسان و به تعبیری «شخص بودن» تلقی می‌شود.^۱ مبنای دیدگاه شخصیت محور در مورد مالکیت چنین است که «فرد برای

۱. همان، ص ۱۲۹.

۲. در مورد نحوه شناسایی حق معنوی می‌توان گفت شناسایی حقوق شخصی برای مؤلف، پیش‌شرطی برای شناسایی حق معنوی است. به عبارتی شناسایی حقوق مؤلف به‌عنوان حقوق شخصی (Individual Rights) و یا به‌عنوان منافع مبتنی بر مالکیت (Property-based Interests)، آثار متفاوتی دارد. حق معنوی به‌طور ضمنی از ایده حقوق شخصی استنباط می‌شود (Sundara Rajan, op. cit, p. ۵۳ ۵۴)؛ یعنی چنانچه حقوق مؤلفان را در زمره حقوق شخصی بدانیم، اثبات حق معنوی راحت‌تر خواهد بود، تا زمانی که حقوق مؤلفان را همانند رویکرد کشورهای پیرو نظام کپی‌رایت، منافع بدانیم که از مالکیت اثر ادبی یا هنری ناشی می‌شود. یکی از نتایج اتخاذ مبانی متفاوت، تفاوت رویکرد نظام‌های کپی‌رایت و حق مؤلف به حق معنوی است. برای مطالعه بیشتر در مورد دو نظام حق مؤلف و کپی‌رایت ر.ک به میرشمسی، محمدهادی، همسویی رویکرد قانون‌گذاری ایران با مقررات بین‌المللی در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری، فصلنامه علمی پژوهشی حقوق پزشکی، ج ۱۰، ۱۳۹۵، ص ۸۲-۸۴.

۱. حبیبی‌مجنده، محمد، حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر؛ تعامل‌ها و تعارض‌ها، چاپ ۱، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۴، ص ۹۶.

دستیابی به خودباوری درست برای شخص بودن نیاز دارد که بر منابعی در محیط خارجی نوعی کنترل داشته باشد. تضمین‌های ضروری این کنترل شکل حقوق مالکیت به خود می‌گیرد.^۱

دیدگاه‌های متفاوتی برای مبنای شخصیت وجود دارد. هگل اراده فردی را هسته موجودیت فرد می‌داند که دائم در تکاپوی فعالیت و کارآمدی در جهان است. ایشان سلسله مراتبی در عناصر ساختار فکری فرد تصور می‌کند که اراده در بالاترین جایگاه نشسته است: «به تملک درآوردن اشیای خارجی، فعلیت‌بخشی به اراده انسانی و درواقع، بروز و تجلی آزادی فردی و جلوه‌ای از شخصیت اوست».^۲ کانت نیز مانند هگل، مالکیت و مالکیت فکری را با شخصیت انسان پیوند می‌زند، با این تفاوت که هگل مالکیت را عینیت یافتن شخصیت اما کانت آن را لازمه شخصیت می‌داند.^۳

کاربرد نظریه شخصیت برای توجیه مالکیت فکری به‌ویژه حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری سابقه‌ای طولانی دارد.^۴ نظام حق مؤلف نظامی شخصیت‌گراست و اثر با شخصیت پدیدآورنده رابطه تنگاتنگ دارد و در این دیدگاه بر دسته مستقلی از حقوق موسوم به حقوق اخلاقی تأکید می‌شود.^۵

۱-۱-۲-ب- آثار مبنای شخصیت

مهم‌ترین اثر مبنای شخصیت به‌خصوص بر اساس دیدگاه کانت، پذیرش حقوق اخلاقی یا معنوی در حوزه مالکیت ادبی است.^۶ پرواضح است کشورهایی که این مبنا را در نظام مالکیت ادبی و هنری‌شان پذیرند، با ورود حق معنوی در نظام حقوقی‌شان خواناخواه مشکل خواهند داشت و لذا باید از طریق مبنای دیگر از حق معنوی حمایت کنند. اگر هم حق معنوی را در قانون به تصویب برسانند، شاید نتوانند از حق معنوی آن‌گونه که در نظام‌های حق مؤلف مرسوم است، حمایت کنند.

هگل برای امور فکری ماهیت دوگانه قائل است، یعنی حق معنوی و مادی را دو چیز جدا از هم می‌داند. او نسبت به کانت موضوع حق معنوی را گسترده‌تر می‌پندارد و فقط پدیده‌های بیانی را موضوع حق نمی‌داند. نظریه دوگانگی^۱ از نتایج نظریه هگل است که در فرانسه مقبولیت یافته، اما کانت قائل به وحدت

۱. همان، ص ۹۶.

۲. همان، ص ۹۶.

۳. حکمت‌نیا، محمود، مبنای مالکیت فکری، چاپ ۲، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۸.

۴. حبیبی‌مجنده، محمد، پیشین، ص ۹۷.

۵. همان، ص ۶۲.

۶. همان، ص ۳۱۲.

حقوق اقتصادی و اخلاقی است. نظریه یگانگی^۱ از نتایج نظریه کانت بوده که در آلمان قبول شده است. اثر دیگر مبنای شخصیت، تبعی بودن حقوق اقتصادی است. بنا بر تفسیری که از دیدگاه کانت می توان ارائه داد، حقوق اقتصادی اصالت ندارد و به حقوق اخلاقی برمی گردد. اما بر اساس دیدگاه هگل، در عین توجه به شخصیت می توان حق اقتصادی را جدا از حقوق اخلاقی تصویر کرد.^۲ مبنای شخصیت در معیار اصالت هم تأثیرگذار است. کشورهای متأثر از مبنای شخصیت مانند آلمان و فرانسه به شخصیت توجه کرده و اصالت را به شخصیت پیوند زده اند. در مقابل این دیدگاه، تفسیر اصالت در حوزه قضایی انگلستان به گونه دیگری است. دادگاهها در انگلستان بیشتر به مهارت، داوری و کار توجه کرده اند.^۳

۲-۱-۲- مبنای فایده گرایی

در این بند ابتدا به تبیین مبنای فایده گرایی می پردازیم و سپس آثار این مینا بررسی می شود.

۲-۱-۲- الف - تبیین مبنای فایده گرایی

طرفداران اصالت نفع، به حقوق طبیعی اعتقاد ندارند و مالکیت را تنها مادامی به رسمیت می شناسند که اهداف منفعت طلبانه جامعه را پیش برد یا دارایی جامعه را به حداکثر برساند. در اندیشه سودانگاران، مالکیت تا جایی مشروع است که اهداف اجتماعی ازدیاد سود و ثروت را ارتقا ببخشد.^۴ در اعطای مالکیت حتماً باید راهکارهایی که بیشترین توازن را میان دو مقوله صاحبان و منافع عمومی ایجاد می کند، اتخاذ شود. سودمندگرایان آمریکایی معتقدند که بند ۸ بخش ۸ اصل اول قانون اساسی آمریکا مبنای نظریه سودمندگرا قرار دارد؛ زیرا اعطای این اختیار را برای ترویج و توسعه علم و هنرهای مفید ذکر کرده است.^۵ بنیاد فلسفی نظام کپی رایت، فایده گرایی^۶ است؛ هدف کپی رایت تشویق به تولید بیشترین حد از آثار خلاقانه به پایین ترین قیمت ممکن است.^۱ نظریه فایده گرایی در کشورهای پیرو نظام کپی رایت که عمدتاً کامن لایی هستند طرفدار دارد. تئوری منفعت گرایی که آبشخور تاریخی کشورهای کامن لایی است، حق معنوی را مزاحم بهره برداری اقتصادی از آثار می داند.

۱. Monism

۲. همان، ص ۳۱۹.

۳. همان، ص ۳۱۸.

۴. شیخی، مریم، اصول حقوق مالکیت فکری، چاپ ۱، تهران، میزان، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳.

۵. همان، ص ۱۱۴.

۶. Utilitarian

۱. Goldstein, op. cit, p. ۳

بنابر قولی درست است، که کشورهای کامن‌لا از دیدگاه اصالت منفعت پیروی کرده‌اند، اما آن‌ها به اصول حقوق طبیعی، تفسیری کاربردی داده‌اند. مفهوم اقتصادی حقوق کپی‌رایت به دلیل اصول حقوق طبیعی و نه مخالفت با آن در حقوق انگلستان مطرح شد. سیطرهٔ رویکرد اقتصادی بر کپی‌رایت شیوه‌ای است که اصول مالکیت حقوق طبیعی با روش‌های عملی سازگار شدند تا پاسخ‌گوی تغییر شرایط فنی و اقتصادی باشند. حقوق انگلستان در واقع با پذیرش مفهوم اقتصادی کپی‌رایت، در صدد رد توجیه حقوق طبیعی درباره کپی‌رایت نبود، بلکه اصول حقوق طبیعی را گرفت و به آن‌ها تفسیری کاربردی داد؛ به گونه‌ای که نویسندگان برای کارشان پاداش بگیرند و دیگران اجازه داشته باشند حق طبیعی‌شان را در آزادی تجارت پیگیری کنند. این تفسیری بود که در نهایت با گسترش اقتصاد صنعتی نیمه دوم قرن هجدهم در انگلستان سازگار شد.^۱ البته چنانچه مبنای حقوق طبیعی (نظریهٔ کار لاک) را هم بپذیریم، بازهم این نظریه در توجیه حق معنوی ناتوان است. نظریهٔ کار در اثبات حق معنوی پدیدآورندگان ناتوان است و برای اثبات حق معنوی باید به دلایل دیگر استناد کرد.^۲

از میان نظریه‌هایی که در مکتب فایده‌گرایی وجود دارد، نظریهٔ انگیزه است که قانون «آن» و قانون کپی‌رایت آمریکا مصوب ۱۷۹۰ از این نظریه پیروی کرده‌اند. این نظریه به این دلیل در این جا ذکر می‌شود که در توجیه حق معنوی در کشورهای کامن‌لا کاربرد دارد. با اعطای حق معنوی، انگیزه مؤلفان در خلق آثار بیشتر زیاد می‌شود.^۳ بعد از توضیح نظریهٔ انگیزه از منافع عمومی به عنوان یکی از مباحث حائز اهمیت در نظریه فایده‌گرایی که در توجیه حق معنوی کاربرد دارد بحث می‌شود.

۲-۱-۲- الف-۱- نظریه انگیزه از نظریه‌های مکتب فایده‌گرایی

استدلال به انگیزه در مالکیت ادبی سابقهٔ طولانی دارد. در بعضی از قوانین به صراحت از نظریهٔ انگیزه یاد شده است. مقدمه قانون کپی‌رایت انگلستان مصوب ۱۷۱۰ یکی از اهداف خود را تشویق عالمان به نوشتن کتاب‌های مفید می‌داند.^۱ ممکن است این استدلال را هم در راستای منافع شخصی پدیدآورنده و هم در قالب منفعت عمومی بررسی کنیم، با این تفاوت که در استدلال نوع دوم یک واسطه پدید می‌آید، یعنی با حمایت از مالکیت فکری، انگیزهٔ پدیدآورنده زیاد می‌شود و با کثرت اختراع و ابداع، منفعت

۱. دراهوس، پیتر، پیشین، ص ۱۳۹ و ۱۴۰

۲. حکمتنیا، پیشین، ص ۲۳۴

۳. نظریات گوناگون دیگری هم وجود دارد که ملحق به نظریات سود محور است از جمله: الف) توجیه قرارداد اجتماعی. ب) نظریه نتیجه‌گرایی پوزنر. ج) نظام محرک جایگزین. (برای مطالعه بیشتر رک به شیخی، مریم، پیشین، ص ۱۱۵)

۱. Sterling, op. cit, p. ۶۳&۶۵.

حداکثری به عموم می‌رسد.^۱ در رابطه با حق معنوی هم همین استدلال قابل‌تعمیم و تسری است، با این توضیح که با حمایت از حق معنوی، انگیزه مؤلفان در تولید و خلق آثار بیشتر می‌شود؛ به عبارتی هراندازه که مؤلفان اطمینان بیشتری نسبت به این که شخص دیگری اثرشان را به نام خود چاپ نمی‌کند و در آن تحریف به عمل نمی‌آورد، داشته باشند، به خلق آثار بیشتر تشویق می‌شوند. ممکن است نظریه انگیزه را در قالب نظریه رفاه و منفعت عمومی هم به کار ببریم، با این بیان که ایجاد انگیزه برای پدیدآورندگان و انجام کارهای فکری در مجموع موجب رفاه عمومی می‌شود. ادوین‌سی‌هتینگر ماحصل استدلال فایده-گرایانه به سود مالکیت فکری را لزوم ایجاد انگیزه برای تولید آثار فکری ارزشمند اجتماعی می‌داند.^۲

یکی از دلایل متقن برای حمایت از حق معنوی این است که حمایت از حق انتساب و حق تمامیت محیطی را ایجاد می‌کند که مؤلفان دست به خلق آثار می‌زنند. نویسنده‌ای که برای خلق اثرش از این جهت که اعتبار کسب کرده است، احساس امنیت می‌کند یا هنرمندی که بر استناد دائمی مجسمه‌اش به نام خود تکیه می‌کند، چنین وضعیتی را برای فعالیت خلاقانه سودمندتر می‌بیند. اتخاذ حق معنوی این پیام را می‌رساند که جامعه به خلاقیت و ابتکار بها می‌دهد.^۳

۲-۱-۲- الف-۲- منافع عمومی

یکی از اثرات مکتب فایده‌گرایی، تقدم منافع عمومی بر منافع فردی است.^۴ منافع عمومی به‌نوعی توجیه‌کننده حق معنوی در نظام کامن‌لا است، زیرا با حمایت از حق معنوی منافع عمومی هم تأمین می‌شود. به عبارتی با آن که هدف اصلی حقوق اخلاقی، حمایت از شخصیت پدیدآورنده است، این سنخ از حق، از دیدگاه منافع عمومی نیز قابل دفاع و توجیه است.^۵

در نظام کامن‌لا، به دلیل نبود مبنای شخصیت، بحث چگونگی حمایت از منافع معنوی مؤلفان پیش می‌آید. مبنای شخصیت آن‌چنان که در نظام سیویل‌لا وجود دارد، با نظام کپی‌رایت بیگانه است، اما نه به این معنا که حق معنوی امری عجیب در نظام مالکیت فکری کشورهای کامن‌لا است، بلکه این حقوق باید از منظر اصطلاحات و واژگان نظام کپی‌رایت فهم شود. این واژگان و اصطلاحات از منظر قانون «آن» منافع عمومی هستند. از اثر حمایت می‌شود؛ زیرا حمایت از اثر، مؤلفان را به خلق آثار تشویق می‌کند. هدف این قانون تشویق انسان دانشمند به نوشتن کتاب‌های مفید است.

۱. حکمت‌نیا، محمود، پیشین، ص ۲۶۳

۲. همان، ص ۱۰۴

۳. Ginsburg, op. cit, p. ۱۲۸ ۱۲۹.

۴. حکمت‌نیا، محمود، پیشین، ص ۲۷۳

۵. حبیبی‌مجده، محمد، پیشین، ص ۱۸۷

کپی‌رایت محیطی مساعد برای خلق آثار فراهم می‌کند، به مؤلفان سود می‌رساند و در نتیجه حمایت از مؤلفان، میراث فرهنگی و علمی جامعه را بهبود می‌بخشد. به‌علاوه حق معنوی با این رویه جامعه‌محور^۱ تناسب دارد. اغلب گفته می‌شود که کپی‌رایت انگلو-ساکسون فقط مشتمل بر حقوق اقتصادی است. این گفته عموماً درست است، اما بدین معنا نیست که قوانین کپی‌رایت، در حمایت از حقوق شخصی غیرمادی ناتوان است. یکی از دلایل برای حمایت از حق معنوی، بحث منافع عمومی است که از پذیرش این حق ناشی می‌شود. برای مثال حق انتساب، منافع عمومی را بهبود می‌بخشد؛ زیرا کامل‌ترین آگاهی عمومی ممکن در مورد این که چه کسی خالق اثر است را فراهم می‌کند. عموم حداقل به‌همان اندازه که در شناخت منشأ یک محصول، نفع دارد، از شناخت پدیدآورنده یک اثر هم منتفع می‌شود. به‌علاوه از نگاهی متفاوت^۲ حق انتساب به جلوگیری از فریب عموم کمک می‌کند؛ زیرا از انتساب نادرست نام پدیدآورنده به اثری که آن را خلق نکرده یا نسبت به‌آثاری که نویسنده فقط مسئول خلق بخشی از آن است، جلوگیری می‌کند.^۳

چند نفع عمومی برجسته با حق معنوی تأمین شده و این حقوق ضامن حقیقت در بازاریابی^۴ است. این حقوق به عموم این اطمینان را می‌دهد که آثاری را که به‌نام پدیدآورنده خاصی می‌شناسند، در واقع محصول واقعی و اصیل اوست. به‌علاوه حق معنوی در حفاظت از فرهنگ جامعه نیز مؤثر است و ضبط و ثبت مستمر فرهنگ، نفعی عمومی است.^۵ در نقطه مقابل، حق معنوی در کشور فرانسه (به‌عنوان سردمدار کشورهای نظام حق مؤلف) تقریباً به‌طور کامل بر حقوق شخصی پدیدآورنده تمرکز کرده و برای اهمیت دادن به منافع عمومی در مقابل منافع مؤلف تلاش کمتری می‌کند.^۶

۲-۱-۲-ب- آثار مبنای فایده‌گرایی

یکی از نتایج نظریه فایده‌گرایی، پذیرش کند حق معنوی در کشورهایی است که از مکتب اصالت منفعت متأثر هستند. اولین پرونده قضایی که در آن نظریه حقوق اخلاقی مطرح شد به سال ۱۹۷۶ مربوط است. این‌ها همه نشان می‌دهد که حق اخلاقی چندان با اصالت منفعت و با توجیه این که این حقوق موجب ایجاد انگیزه یا رفاه عمومی می‌شود، سازگار نیست.^۱ این نظر کاملاً درست نیست؛ زیرا حق معنوی انگیزه

۱. Socially-oriented scheme

۲. Reverse side

منظور از بعد برعکس حق انتساب همان حق مقابله با انتساب خلاف‌واقع است.

۳. Ginsburg, op. cit, p. ۱۲۹

۴. Truth-in-marketing

۵. همان، ص ۱۸۸

۶. Sundara Rajan, op. cit, p. ۱۱

۱. حکمت‌نیا، محمود، پیشین، صص ۲۷۴-۲۷۵

مؤلف در خلق آثار را بالا می‌برد (نظریه انگیزه) و منافع عمومی با حمایت از حق معنوی تأمین می‌شود. با این حال اگرچه نظریه انگیزه و منافع عمومی در توجیه حق معنوی در نظام کپی‌رایت مؤثر هستند، اما به حدی نیستند که بتوان آن‌ها را مبنای حق معنوی دانست، لذا کشورهای کامن‌لایی پیرو نظام کپی‌رایت در توجیه حق معنوی به مبانی و شیوه‌های جایگزین استناد کرده‌اند.

۲-۲- شيوه‌های حمایت از حق معنوی در نظام کپی‌رایت

در این‌که عناوینی مثل رقابت غیرمنصفانه، جازدن، هتک‌شهرت و قرارداد از رایج‌ترین مبانی و راه‌های حمایتی برای توجیه حق معنوی قبل از تصویب حق معنوی در کشورهای پیرو نظام کپی‌رایت بوده است تردیدی نیست و اکثریت حقوق‌دانان به این امر اذعان دارند^۱ و اکنون نیز در بعضی موارد دادگاه‌ها به این مبانی در کنار حق معنوی موضوعه استناد می‌کنند.

۱-۲-۲- قرارداد^۲

مؤلفان از طریق قرارداد ممکن است هر نوع حمایت لازمه را کسب کنند، اما این حمایت به میزان قدرت چانه‌زنی شخصی‌شان^۳ بستگی دارد. این راه حمایتی برای مؤلف تازه‌کار و با انگیزه‌ای که هنوز شهرتی برای خود کسب نکرده، مناسب نیست.^۴ بنابراین، با توجه به این‌که مؤلفان به‌خصوص مؤلفان تازه‌کار قدرت چانه‌زنی بالایی در تعیین مفاد قرارداد ندارند و بهره‌برداران و ناشران مفاد قرارداد را بر آن‌ها تحمیل می‌کنند، ناکارآمدی این راه محسوس می‌شود.

در پرونده فریسی علیه بی‌بی‌سی^۱، نویسنده نمایش‌نامه طبق قرارداد قادر بود نسبت به حذف قسمتی از اثر که به‌زعم او اساسی تلقی می‌شده، شکایت کند. قرارداد بین بی‌بی‌سی و انجمن نمایش‌نامه‌نویسان مبتنی بر شرطی بود که می‌گفت بی‌بی‌سی نباید بدون رضایت نویسنده در متن نمایش‌نامه تغییرات ساختاری و اساسی بدهد. فریسی به بی‌بی‌سی ليسانسی انحصاری مبنی بر ایجاد اثر تلویزیونی داده و

۱. به منبع زیر مراجعه شود:

Cornish, William, *Intellectual Property, patents, copyright, trademarks and allied rights, fourth Edition*, London, Sweet and Maxwell, ۱۹۹۹, p. ۴۴۵ - Colston, Catherine, *Principles of Intellectual Property law, first edition*, London, Cavendish Publishing, ۱۹۹۹, p. ۲۵۹-۲۶۱ - Aplin, op. cit, p. ۳۶ - Rigamonti, Cyrill, *Deconstructing Moral Rights*, Harvard International Law Journal, Vol. ۴۷, Number ۲, ۲۰۰۶, p. ۳۸۱

کلمبه، پیشین، ص ۷۶ ۷۷، زرکلام، ستار، پیشین، ص ۱۲۶ و حکمت‌نیا، محمود، پیشین، ص ۳۳۳

۲. Contract

۳. Individual bargaining power

۴. Colston, op. cit, p. ۲۵۹

۱. Frisby v. BBC

این لیسانس به قرارداد جمعی^۱ (قرارداد بین بی‌بی‌سی و انجمن نمایش‌نامه‌نویسان) ارجاع می‌داد. قاضی پرونده قرار منع^۲ تولید تلویزیونی نمایش‌نامه تغییر داده شده را صادر کرد؛ زیرا شروط قرارداد بین انجمن نمایش‌نامه‌نویسان و بی‌بی‌سی به‌عنوان شرط ضمنی در قرارداد لیسانس درج شده بود. ذکر این نکته مهم است که موفقیت فریسی در این پرونده به‌قدرت چانه‌زنی جمعی از طرف انجمن نمایش‌نامه‌نویسان وابسته بود تا شروط مذاکراتی فردی در قرارداد.^۳

به‌منظر می‌رسد جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد، از منظر مؤلف ۳ ضعف دارد: اولاً، مؤلف احتمالاً تا موقعی که شهرت بالایی کسب نکند، قدرت مذاکراتی‌اش ضعیف است. ثانیاً، حمایت از مؤلف فقط در مورد همان قرارداد قابل‌اعمال است. این قرارداد از مؤلف علیه انتقال‌گیرندگان بعدی حمایت نمی‌کند. ثالثاً، در مورد قرارداد بین کارفرما و مستخدم (مؤلف)، این قرارداد سودی برای خود مؤلف ندارد.^۴

۲-۲-۲- هتک‌شهرت^۵

هتک‌شهرت به‌لحاظ ماهیت یک شبه‌جرم^۱ است و عبارت‌است از «انتشار اظهاراتی به‌منظور تنزل مقام شخص در نظر صاحبان اندیشه و جامعه».^۲ می‌توان از طریق این شبه‌جرم از حقوق و منافع معنوی مؤلفان حمایت به عمل آورد. برای مثال در پرونده‌های Moore v. News of the World و

۱. Collective agreement

۲. Injunction

۳. Ibid

۴. Ibid, p. ۲۶۰

۵. Defamation

عده‌ای از حقوق‌دانان این واژه را «افترا» (ر.ک به زرکلام، پیشین، ص ۱۲۶)، عده‌ای آن را «توهین» (ر.ک به حکمت‌نیا، پیشین، ص ۲۳۳) و عده‌ای آن را «هتک‌حرمت» (ر.ک به اسچب، جان. ام و اسچب دوم، جان. ام، گزیده متون حقوقی حقوق جزای آمریکا، ترجمه میر سملائی پیروز، چاپ ۱، تهران، نگاه بینه، ۱۳۸۳، ص ۳۴۰ و کرزون، ال. ب و ریچارد، پ. اچ، فرهنگ حقوق (انگلیسی فارسی)، ترجمه قدیر گل‌کاریان و همکاران، چاپ ۱ (ویرایش هفتم)، تهران، دانشیار، ۱۳۹۰، ص ۲۰۴) ترجمه کرده‌اند. به‌منظر می‌آید ترجمه بهتر و مناسب‌تر این واژه، «هتک‌حرمت یا شهرت» باشد و ترجمه این واژه به توهین و افترا درست به‌منظر نمی‌رسد؛ زیرا به‌لحاظ لغوی fame در زبان انگلیسی به‌معنای «شهرت» یا reputation است و defame به‌معنای از بین بردن و هتک‌شهرت است. به‌علاوه از آن‌جاکه هدف و کارکرد اصلی شبه‌جرم defamation حمایت از شهرت فرد است، استدلال فوق مبنی بر این‌که هتک‌حرمت و شهرت ترجمه مناسب‌تری است، تقویت می‌شود. از طرف دیگر از آن‌جاکه (۱) در کلمن‌لا هدف حق معنوی حمایت از شهرت مؤلف است و (۲) طبق متن ماده ۶ مکرر که می‌گوید حق معنوی در صورتی نقض می‌شود که «منجر به لطمه به حیثیت و شهرت مؤلف شود» در نتیجه پیشنهاد و نفوذ کشورهای کلمن‌لا وضع شده، این نتیجه حاصل می‌شود که defamation که یکی از مبلی حق معنوی در کلمن‌لا است، بهتر است به هتک‌شهرت ترجمه شود.

۱. Tort

۲. کرزون، ال. ب و ریچارد، پ. اچ. پیشین.

Humphreys v. Thomson به این مبنا استناد شد.

در پرونده اولی، خاتم مور معروف به دوروتی اسکوایرز^۱ بازیگر و خواننده با استناد به هتک‌شهرت کتبی^۲ تقاضای جبران خسارت کرد، به این دلیل که روزنامه مقاله‌ای را چاپ کرده بود و چنین القا می‌کرد که توسط خواهان نوشته شده است. هم‌چنین در این پرونده خواهان علاوه بر هتک‌شهرت، به بخش ۴۳ قانون ۱۹۵۶ در مورد مقابله با انتساب خلاف واقع هم استناد کرد.

در پرونده دوم، نویسنده خواهان، مدعی هتک‌شهرت از طرف روزنامه‌ای شد که نام شخصیت‌های اثر او را مختصر و توضیحات را حذف کرده بود. این شبه‌جرم در حمایت از منافع معنوی مؤلفان محدودیت‌هایی دارد^۳ و تا زمان حیات پدیدآورنده اثر دارد.

۳-۲-۲- جازدن^۴

جازدن نیز به لحاظ ماهیت شبه‌جرم است. تعریف جازدن از این قرار است: «عمل ارائه نادرست محصول خود به عنوان محصول شخص دیگر به منظور فریب دادن خریداران بالقوه»^۵.

حسن‌شهرت تجاری^۶ یکی از ارکان این شبه‌جرم است؛ با این توضیح که خواهان برای اثبات ارتکاب این شبه‌جرم از طرف خواننده باید وجود حسن‌شهرت تجاری را اثبات کند. جازدن هم مانند هتک‌شهرت از شهرت فرد حمایت می‌کند. در این شبه‌جرم فرد کالای خود را به عنوان کالای شخص دیگر جا می‌زند. چنانچه شخصی اثری را به عنوان اثر شخص دیگری معرفی کند و مؤلف بتواند حسن‌شهرت تجاری خود را اثبات کند، می‌تواند به ارتکاب این شبه‌جرم استناد کند.

در پرونده Samuelson v. Producers Distributing نمایش‌نامه‌نویسی علیه صاحب فیلم به استناد ارتکاب این شبه‌جرم طرح دعوا کرد. خواهان به عنوان نمایش‌نامه‌نویس طرح نمایش‌نامه‌ای را با نام "The New Car" نوشته و به موفقیت چشمگیری دست یافت. خواننده فیلمی را با نام مشابه طرح خواهان با عنوان "His First Car" تولید و توزیع کرد که با طرح خواهان تفاوت زیادی داشت و در

۱. Dorothy Squiers

۲. Libel

۳. Ibid

۴. Passing off

۵. Garner, op. cit, p. ۱۱۵۵

۶. Goodwill

تبلیغات فیلم این‌گونه وانمود شد که فیلم برگرفته از اثر خواهان است.^۱

برخی مبانی گفته‌شده در بالا را مبانی و عناوین اخلاقی می‌دانند. به عقیده ایشان عناوینی مثل رقابت غیرمنصفانه و... دارای پایه‌های اخلاقی و مستقیم است و به عبارتی می‌توانند مستند حقوق اخلاقی واقع شوند.^۲ این عناوین شبه‌جرم هستند و عنوان اخلاقی نیستند.

۴-۲-۲- نقد شیوه‌های حمایت

در این بند ابتدا نظرات موافقان و در پایان نظرات مخالفان شیوه‌های حمایت بالا بررسی می‌شود.

۴-۲-۲-الف- نظرات موافقان

عده‌ای در مورد مبانی و شیوه‌های بالا نظرات مثبتی ارائه داده‌اند. از جمله مزایا، نبود محدودیت‌های بسیار شدید نسبت به اعمال و اجرای حق معنوی است. برای مثال، حق معنوی در قوانین کشورهای پیرو کپی‌رایت به‌شدت موضوع محدودیت‌ها و استثنائاتی قرار گرفته است. موافقان این مبانی معتقدند حمایت از حق معنوی از طریق مبانی مذکور محدودیت‌های شدید مثل اعراض به‌طور گسترده یا شرط اعلام بر دارندگان اثر تحمیل نمی‌کند. به همین دلیل باوجود پیش‌بینی حق معنوی در قوانین، هنوز هم از این مبانی برای حمایت از حق و منافع معنوی مؤلفان استفاده می‌شود. از طرفی برای دارنده حق معنوی جبران خسارت از طریق طرح دعوی جازدن، آسان‌تر از طرح دعوی نقض حق معنوی است. همچنین جای تردید است که آیا نقض یک حق اخلاقی و طرح دعوا، همواره جبران خسارت‌های مقتضی و مناسبی برای مالک این حق تضمین می‌کند؟^۳ به‌گفته ویلیام کرنیش، این مفاهیم با ادغام در چارچوب قوانین کپی‌رایت ناسازگارند، به‌ویژه این‌که فاقد قابلیت اعراض از قبل هستند، درحالی‌که حق معنوی در کشورهای پیرو نظام کپی‌رایت قابل اعراض است.^۴

۴-۲-۲-ب- نظرات مخالفان

بنابر قولی طرح دعوی قرارداد، هتک‌شهرت و جازدن، حق مستقیم طرح دعوا برای مؤلفی که تمایل به

۱. McCartney, op. cit, p. ۲۱۳

۲. حکمت‌نیا، محمود، پیشین، ص ۳۲۳ و ۳۳۳ و حکمت‌نیا، محمود، مروری بر حقوق اخلاقی مالکیت فکری و مبانی اعتبار آن، مجله فقه و حقوق، ش ۵، سال دوم ۱۳۸۴، ص ۵۴

۳. شیخی، مریم، پیشین، صص ۴۴۰-۴۴۱

۴. کرنو، ماری و دیگران، فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و کپی‌رایت، ترجمه علیرضا محمدزاده وادقئی و پژمان محمدی، ج ۱، چاپ ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱

حمایت از منافع معنوی موجود در اثر را دارد، فراهم نمی‌کند و این مبانی با متن ماده ۶ مکرر برن همخوانی ندارند.^۱ از دیگر انتقادات وارده به این مبانی این است که این مبانی تا مدت‌زمان حیات پدیدآورنده قابل حمایت است^۲ در حالی که حق معنوی در بعضی کشورها دائمی است و در بعضی کشورها حداقل تا مدت‌زمان حمایت حقوق مادی است.

در هر حال این مبانی و راه‌های حمایتی در نظام حقوقی کشورهای پیرو کپی‌رایت قبل از تصویب حق معنوی در متن قانون برای حمایت از مؤلفان استفاده می‌شده است و حتی در حال حاضر نیز در مواردی^۳ قضات این کشورها به این مبانی استناد می‌کنند.

مباحثی که در این مقاله مطرح شد ناظر به مباحث نظری حق معنوی و بررسی آن در نظام کپی‌رایت بود و به مباحث عملی و وضعیت حق معنوی در عمل در این نظام پرداخته نشد. جا دارد در مقاله‌ای دیگر بحث حق معنوی بملحوظ عملی در نظام‌های کپی‌رایت مورد بحث و بررسی قرار بگیرد.

۱. Colston, op. cit, p. ۲۶۱

۲. Sundara Rajan, op. cit, p. ۱۰۱

۳. برای مثال در پرونده Alan Clark v. Associated Newspapers در سال ۱۹۹۸ قضای پرونده علاوه بر استناد به حق معنوی به موجب ماده ۸۴ قانون ۱۹۸۸ به شبه‌جرم جازدن هم استناد کرد.

بررسی سیر تاریخی حق معنوی در کپی‌رایت و همچنین شناخت عوامل اثرگذار بر رویکرد این نظام به حق معنوی، وضعیت این حق را در این سیستم مالکیت ادبی و هنری تا حد زیادی روشن می‌کند. برخلاف باور غالب، حق معنوی برای نخستین بار در رویه قضایی بریتانیا به‌عنوان کشور شاخص نظام کپی‌رایت به رسمیت شناخته شد. قاضی منسفیلد در سال ۱۷۶۹ در پرونده میلر علیه تایلر در فرآیند اثبات کپی‌رایت کامن‌لایی، مفهوم حق معنوی را بیان و مصادیق آن را معرفی کرد. این حق علی‌رغم شناسایی زودهنگام، در پرونده دونالدسون علیه بکت به تبع لغو کپی‌رایت کامن‌لایی و توجه به قانون «آن» رد شد و تا حدود دو قرن بحث آن در بریتانیا از سر گرفته نشد. سایر کشورهای پیرو کپی‌رایت هم که اغلب مستعمره بریتانیا بودند، از همین رویه تبعیت و سال‌ها از پذیرش حق معنوی در قوانین‌شان خودداری کردند.

نگرش کپی‌رایت به حق معنوی با نگرش نظام حق مؤلف تفاوت‌هایی دارد. عمده‌ترین علل اثرگذار را می‌توان در عوامل فرهنگی، تاریخی و سیاست‌گذاری جست‌وجو کرد. دلیل دیدگاه متفاوت بریتانیا به حق معنوی بیش از اینکه حقوقی باشد، فرهنگی است. در مورد عامل تاریخی می‌توان به رد کپی‌رایت کامن‌لایی و به تبع آن نادیده گرفتن حق معنوی در بریتانیا در حدود ۲۰۰ سال اشاره داشت. در ارتباط با بحث سیاست‌گذاری می‌توان گفت کشورها در مورد حق معنوی همانند سایر مباحث حقوق مالکیت فکری از سیاست واحدی پیروی می‌کنند و بسته به منافع و مبانی نظری، چگونگی حمایت از حق معنوی را مشخص می‌کنند. کشورهای پیرو نظام حق مؤلف در توجیه نظام مالکیت ادبی و هنری و حمایت از مؤلفه مبنا‌ی شخصیت را پذیرفته‌اند. یکی از نتایج اعتقاد به این مبنا، پذیرش حق معنوی است. پرواضح است که کشورهای غیرمعتاد به این مبنا، در توجیه حق معنوی در نظام حقوقی خود خواهناخواه دچار مشکل می‌شوند. نظام کپی‌رایت در حمایت از مؤلف و اعطای حقوق مادی و معنوی به او، مبنا‌ی فایده‌گرایی را پذیرفته است. حق معنوی در این نظام با مبنا‌ی فایده‌گرایی تاحدودی قابل توجیه است. اگرچه نظریاتی مثل نظریه انگیزه و بحث منافع عمومی که در مبنا‌ی فایده‌گرایی حائز اهمیت هستند، در توجیه حق معنوی در نظام کپی‌رایت کاربرد دارند، اما به حدی نیستند که بتوان آن‌ها را مبنا‌ی حق معنوی دانست. لذا کشورهای پیرو کپی‌رایت قبل از تصویب حق معنوی در قوانین‌شان به مبانی و شیوه‌های جایگزین مثل رقابت غیرمنصفانه، جازدن، هتک شهرت و قرارداد به‌منظور توجیه حق معنوی متوسل شدند. هریک از این مبانی و شیوه‌ها نسبت به حق معنوی موضوعه مزایا و معایبی دارند و امروزه حتی با وجود پیش‌بینی حق معنوی در مقررات مالکیت ادبی و هنری در کشورهای کامن‌لایی و ضرورت توجه به این حق به دلیل الحاق این کشورها به کنوانسیون برن، به این شیوه‌ها برای حمایت از حق معنوی استناد می‌شود.

الف - منابع فارسی:

کتاب‌ها:

۱. آذری، کیوان، (۱۳۶۰)، «حق معنوی پدیدآورنده اثر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۲.
۲. اسچب، جان. ام، اسچب دوم، جان. ام، (۱۳۸۳)، گزیده متون حقوقی حقوق جزای آمریکا، ترجمه امیر سماواتی پیروز، چاپ اول، تهران، نگاه بینه.
۳. حبیبی‌مجنده، محمد، (۱۳۹۴)، حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر؛ تعامل‌ها و تعارض‌ها، چاپ اول، قم، دانشگاه مفید.
۴. حکمت‌نیا، محمود، (۱۳۸۴)، «مروری بر حقوق اخلاقی مالکیت فکری و مبانی اعتبار آن»، مجله فقه و حقوق، شماره ۵، سال دوم.
۵. حکمت‌نیا، محمود، (۱۳۸۷)، مبانی مالکیت فکری، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. داوید، رنه، (۱۳۷۵)، نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه: سید حسین صفایی، محمد آشوری و عزت‌اله عراقی، چاپ سوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۷. دراهوس، پیتر، (۱۳۹۱)، فلسفه مالکیت فکری، ترجمه محمود حکمت‌نیا، مهدی معلی و علی تقی‌خانی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. زرکلام، ستار، (۱۳۸۸)، حقوق مالکیت ادبی و هنری، چاپ دوم، تهران، سمت.
۹. شیخی، مریم، (۱۳۹۴)، اصول حقوق مالکیت فکری، چاپ اول، تهران، میزان.
۱۰. کرزون، ال. ب. و ریچارد، پ. ا. ج.، (۱۳۹۰)، فرهنگ حقوق (انگلیسی - فارسی)، ترجمه قدیر گل‌کاریان، ناصر جوادخانی، هادی میرواحدی و محمدجواد، چاپ اول (ویرایش هفتم)، تهران، دانشیار.
۱۱. کرنو، ماری، دولامبورتوری، ایزابل، سیرنلی، پیر، والر، کاترین، (۱۳۹۰)، فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و کپی‌رایت، ترجمه: علیرضا محمذاده‌وادقانی و پژمان محمدی، جلد اول، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
۱۲. کلمبه، کلود، (۱۳۹۰)، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، ترجمه علیرضا محمذاده‌وادقانی، چاپ دوم، تهران، میزان.

۱۳. میرشمسی، محمدهادی، «همسویی رویکرد قانون‌گذاری ایران با مقررات بین‌المللی در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری»، فصلنامه علمی - پژوهشی حقوق پزشکی، جلد ۱۰، ۱۳۹۵.

ب- منابع انگلیسی:

Books

۱۴. Aplin, Tanya & Davis, Jennifer, (۲۰۱۳), Intellectual Property Law, Second edition, New York, Oxford University Press.
۱۵. Bently, Lionel & Sherman, Brad, (۱۹۶۰-۱۹۱۱) The making of modern intellectual property law: The British Experience, Cambridge University Press, ۱۹۹۹.
۱۶. Colston, Catherine, (۱۹۹۹), Principles of Intellectual Property law, First edition, London, Cavendish Publishing.
۱۷. Cornish, William, (۱۹۹۹) Intellectual Property, patents, copyright, trademarks and allied rights, Fourth edition, London, Sweet and Maxwell.
۱۸. Garner, Bryan, (۲۰۰۴) Black's Law Dictionary, Eighth edition, USA, West a Thomson Business.
۱۹. Goldstein, Paul, (۲۰۰۱) International Copyright: Principles, law and Practice, First edition, New York, Oxford University Press.
۲۰. Sterling, J. A. L, (۱۹۹۹) World Copyright Law, First edition, London, Sweet and Maxwell.
۲۱. Sundara Rajan, Mira T. (۲۰۱۱) Moral Rights: Principles, Practice and New Technology, First edition, New York, Oxford University Press.

Articles

۲۲. Dworkin, Gerald, (۱۹۹۴-۱۹۹۵), The Moral Right of the Author, Moral Rights and the Common Law Countries, Columbia VLA Journal of Law & Arts, vol. ۱۹.
۲۳. Ginsburg, Jane, (۱۹۹۰), Moral rights in a common law system, Entertainment Law Review ۱۲۱.
۲۴. McCartney, Sheila, (۱۹۹۰-۱۹۹۱), Moral Rights Under United Kingdom's Copyright, Designs and Patents Act of ۱۹۸۸, Columbia VLA Journal of Law & Arts, vol. ۱۵.
۲۵. Rigamonti, Cyrill, (۲۰۰۶) Deconstructing Moral Rights, Harvard International Law Journal, Vol. ۴۷, Number ۲.

Lectures

۲۶. Aplin, Tanya, Moral Rights, PDF file, ۲۰۱۳, available at: Kclpure.kcl.ac.uk/portal. Inn

Intellectual Property Rights under the Copyright System: Theoretical Approach

Mohammad Hadi Mirshamsi^۱
Milad Hamedi^۲

Abstract

Intellectual rights are granted to the author under the literary and artistic property rights whereby the authors can claim the authorship of the work, protect the integrity, and prevent any distortion or modification of the work. Contrary to material rights that support the financial interest of the author, intellectual rights support the character of the author. It is believed that intellectual rights were introduced in countries that confirmed the copyright system such as France and Germany. Historical antecedents, however, prove the opposite assumption. The intellectual right was discussed for the first time in the second half of the ۱۸th century within the investigation of two important cases in Britain where this right was recognized as the origin of the copyright system. The copyright approach to intellectual property rights has resulted from the historical, cultural, incentive, and utilitarianism factors. This approach differs from the author's rights system. Countries that follow the copyright system used to support the intellectual rights of the author by using some methods such as mutilation or defamation relying on the contract provisions before joining the Berne Convention. These countries are still using the same methods in courts to support intellectual rights according to Article ۱ of the Berne Convention after joining it. This study was conducted to investigate the background and basis of intellectual property rights under the copyright system. Besides, this paper examines factors affecting the copyright approach and methods to protect the intellectual rights of the author.

Keywords: Intellectual Rights, Copyright System, Character, Utilitarianism, Common Law System

^۱ Assistant Professor, Private Law, Allameh Tabataba'i University

^۲ BA in Intellectual Property Rights, Allameh Tabataba'i University